

ماند تا اینکه عمر مجلس ششم تمام شد. کار رفع اشکال برنامه چهارم به مجلس هفتم سپرده شد که مخالفت دولت و مجلس گذشته هم بود. اما به رغم این تفاوت دیدگاه، همین برنامه چهارم که آنقدر گستره داشت و همه حوزه‌ها را در برمی‌گرفت، هیچ یک از مواد این برنامه تغییر نکرد و به همان صورت تصویب شد، الا دو سه ماده.

#### ◀ و این مواد چه بود؟ تعیین کنندۀ بود یا اینکه خللی در مسیر سند چشم‌انداز

و برنامه چهارم ایجاد نمی‌کرد؟ اتفاقاً بسیار مهم بود و بعداً تأثیر و اهمیت آن مشخص شد. در آن دو یا سه ماده برنامه چهارم توسعه، قبل از تغییر، اینطور آمده بود که نفت از آن ملت است، ما یعنی نظام حکمرانی و دولت، باید حال، آینده و منابع طبیعی خود را بشناسیم، از آنها صیانت کنیم، بهره‌برداری و درعین حال پایداری کنیم، یعنی از این منابع در جهت تبدیل گاز و منابع طبیعی به سرمایه‌های پایدار و مولد حرکت کنیم. امضای رهبر انقلاب هم پای این برنامه بود. براساس این مواد، بنا بود در سال ۸۴ و سالهای بعد از آن، در شیوه محاسبه درآمدهای حاصل از فروش هر یک بشکه نفت و سپس نحوه هزینه کرد آن تغییری بدهیم. تا قبل از این تاریخ و این برنامه، هر یک بشکه نفتی که به پالایشگاه تهران فروخته می‌شد، به نرخ «صفر دلار» محاسبه و براساس همین نرخ «صفر دلار» با وزارت نفت تسویه می‌شد. یادم هست آن زمان آقای زنگنه وزیر نفت وقت، می‌گفت هزینه هر لیتر بنزین، ۵۳ تومان است. اما وقتی من به تلویزیون رفتم، گفتم قیمت هر لیتر بنزین ۸۰ تومان است که من ۵۰ تومان آن را برای دیگر بخش‌ها مانند تأمین تاکسی‌ها و تأمین اجتماعی هزینه می‌کنم که باوجود این مطالب، هیچ مشکل و نگرانی در کشور و میان مردم ایجاد نمی‌شد. اما درباره آن مواد قانون برنامه چهارم، بنا بود در سال ۸۴، یک بشکه نفت که به پالایشگاه‌ها داده می‌شود، براساس ۹۰ درصد قیمت نفتی که در خلیج فارس معامله می‌شود، قیمت‌گذاری شود و با این قیمت جدید به پالایشگاه‌ها داده شود. ماده ۲ برنامه چهارم اینطور بود که می‌گفت اگر یک بشکه نفت فروخته می‌شود، آن هم با قیمت ۹۰ درصد فوب خلیج فارس، ۵۰ درصد درآمد حاصل از فروش هر بشکه، به حساب صندوق توسعه ملی واریز شود و ۵۰ درصد باقی مانده آن هم برای دولت باشد. از ۵۰ درصد باقی مانده سهم دولت، ۵۰ درصد باید به شرکت ملی نفت داده شود. به این دلیل ۵۰ درصد درآمد دولت از نفت

به شرکت ملی نفت اختصاص داده شده بود، چون ما قصد داشتیم در پایان برنامه چهارم، شرکت ملی نفت ما جزو ۱۰ شرکت برتر دنیا شود. قرار بود محاسبه شود که در سال‌های بعد اگر این مبلغ زیاد یا کم بود برای شرکت ملی نفت، در آن تجدید نظر شود. ۴۰ درصد دیگر سهم دولت هم بنا بود خرج امور زیرساخت‌ها، از جمله راه‌آهن و نظام تأمین اجتماعی شود. در مجلس هفتم این ماده را حذف کردند. یکی از روزهایی که در سازمان برنامه‌گریه کردم همین روز بود. گفتم خدایا ملت ما چه شد؟ ما می‌خواستیم کاری کنیم که در واقع از دولت نفتی و بودجه نفتی خارج شویم، اما با این حذف، دولت را نفتی‌تر کردند. یکی از موانع بزرگ توسعه کشور ایران، شکل‌گیری دولت نفتی است.

#### ◀ و آقای احمدی‌نژاد هم که کلاً این برنامه را اجرا نکرد. یعنی در همان گام اول، سند چشم‌انداز به محاق رفت.

آقای احمدی‌نژاد گفت این کتاب یعنی برنامه چهارم توسعه، آمریکایی است. من نامه‌ای برای آقای احمدی‌نژاد نوشتم و گفتم شما بگویید ستاری فر آمریکایی است، هیچ اشکالی ندارد، اما قانونی که دو مجلس، رهبری و شورای نگهبان تصویب و تأیید کردند آمریکایی نیست. نامه‌ای نوشتم اما جوابی داده نشد. برای همین دی ماه ۸۴ در روزنامه‌ها مطلبی نوشتم که من نگرانم؛ دولت قانون‌گریزی می‌کند و در واقع پول‌هایی که هست را خرج می‌کند. پیشنهاد دادم که بیایید سند چشم‌انداز را متوقف کنید و بعد ضعف‌هایش را اصلاح کنید. اما کسی به این پیشنهاد عمل نکرد. نتیجه این شد که محصول تلاشی که میراثش برای ۵۰، ۶۰ سال نظام تکنوکراسی کشور بود؛ تلاشی که حدود ۴ هزار نفر در وزارتخانه‌ها



**مشکل اصلی ما در مالیه عمومی دولت است، چرا که تورم برای دولت است، چاپ پول برای دولت است. بنابراین مالیه عمومی، اولین ضرورت التزام بخشی کشور است. امروز در کشور بیش از هزار و ۸۰۰ میلیارد تومان اسکناس چاپ می‌شود و این کار باعث شده است تا پول ملی ما بی اعتبار شود**

انجام دادند؛ با دبیرخانه سازمان برنامه، کمیسیون دولت، رهبری و مجمع تشخیص مصلحت و شورای نگهبان و سران قوا، هر مقام و مسئولی که فکرش را کنید در شکل‌گیری سند چشم‌انداز بیست ساله مشارکت داشت. لذا انتظار این بود که به‌خاطر این مشارکت‌ها به آن عمل هم بکنند. امضایی که در هر صفحه سند چشم‌انداز هست، حاصل بحث بود، عدد و رقم نوشته شده و استدلال شده بود و کارشناسی انجام شده بود.

◀ آقای دکتر ستاری فر، واژه‌هایی در این سند بکار رفته که بسیار مهم است و بعید به نظر می‌رسد امروز کسی بتواند در یک قانون یا سند چنین ادبیات و واژه‌هایی بکار ببرد. به عنوان مثال «تعامل مؤثر» یا «سرمایه اجتماعی». «چطور شد که این واژه‌ها وارد این سند شد؟ چون همانطور که شما به همگرایی اشاره کردید، خود این واژه‌ها هم بیانگر وجود نوعی تفاهم میان همه ارکان کشور است. یعنی این واژه‌ها هم نشان می‌دهد سلاقی سیاسی و فکری مختلف در این سند حضور و نقش دارند.

بگذارید مثالی بزنم. مثلاً در کلمه «تعامل مؤثر» در سند که به آن اشاره کردید، خوب این کلمه ناظر بر این بحث است که اقتصاد جهانی چیست و نسبت ما با این اقتصاد چیست. تعامل مؤثر یعنی اینکه ما باید در دنیا جا پای خودمان را پیدا کنیم و در تقسیم کار جهانی جایگاه خودمان را تعیین کنیم. تعامل مؤثر یعنی این که ما تماشاچی نیستیم. البته این را هم به شما بگویم که پس از درج این کلمه در پیش نویس اولیه سند، اینطور برداشت شد که منظور از این کلمه، رابطه با آمریکا است، یعنی تنها کشوری که در تعامل مؤثر روی آن حرف زده شد، آمریکا بود. بگذارید از همین جا به نکته‌ای اشاره کنم که این روزها مطرح است. امروز در برخی موارد گفته می‌شود که برای رسیدن به رشد اقتصادی ۸ درصدی به ۲۰۰ میلیارد دلار منابع نیاز داریم. اول باید این را روشن کنم که رسیدن به رشد ۸ درصدی اصلاً مدل ندارد. به این دلیل که ما در سال ۸۲ به این دلیل به رشد ۸ درصدی رسیدیم که باهم دعوا نکردیم و جدی‌تر کار کردیم و در مرحله بعد هم رشد بالاتر از ۸ درصد شد. ضمن اینکه من به عنوان یک شهروند ایرانی به دلار نیاز دارم. من افسوس می‌خورم و متأسفم که ۹ سال پیش شورای روابط خارجه آمریکا تحلیلی ارائه کرده بود که در آن گفته بود ایرانی‌ها اقلیتی در آمریکا هستند که دارای متوسط سرانه بالاست و حدود ۴۰۰ میلیارد دلار منابع